

معین مومنین عضو تحریریه پرنامه شب روایت همان طور که پرداختن به روایت، به عنوان رکن اصلی مستندنگاری و ثبت تاریخ، از اهمیت زیادی برخوردار است، مساله فقدان روایت نیز حائز اهمیت است. فقدان روایت تنها به معنای عدم وجود روایت نیست، بلکه تعریف گسترده تری دارد. وجود روایت مخدوش، روایت منقول از راوی غیروثیق، روایت ناقص، روایت های ضدونقیض و روایتی که قدرت اقناع مخاطب را نداشته باشد، در تعریف فقدان روایت می گنجد. به بیان دیگر، فقدان روایت در تعریف اصح، فقدان روایت معتبر و متقن است. با این تعریف، هر موضوع، واقعه یا شخصیتی که از آن روایت متقن و اقناع گری وجود نداشته باشد، دچار فقدان روایت است.

در بررسی ریشه ها و دلایل فقدان روایت و بررسی موضوعات و مسائلی که دچار فقدان روایت هستند، با سه نفر از صاحب نظران حوزه روایت گفت وگو کردیم. محمدعلی الفت پور، تاریخ پژوه و نویسنده با این تعریف از فقدان روایت موافق است و موضوعات، وقایع و شخصیت های زیر را دچار فقدان روایت متقن می داند؛ ماجرای قتل های سال ۶۷، قتل های زنجیره ای سال ۷۶، بعضی از ماجراها و ماهیت اتفاقات سال ۸۸، شخصیت هایی مثل آذری قمی، شیخ علی تهرانی، لاهوتی، خلخالی و جریان هایی مثل انجمن حجتیه، حزب توده و جریان احمدی نژاد. همچنین از نگاه الفت پور، عدم وجود روایت مشخصی از آینده انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، یکی دیگر از مصادیق فقدان روایت است. به بیان دیگر بین روایت های مرتبط با انقلاب اسلامی، روایت های آینده پژوهانه وجود ندارد. توصیف مسیر آتی و برون بایی وضعیت فعلی و تعریف غایی انقلاب اسلامی، قربانی فقدان روایت است. مصادق دیگر فقدان روایت، عدم وجود روایتی مشخص از جریان های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. سرانجام یک جریان و حرکت های آن به طور دقیق برای مخاطب مشخص نمی شود.

منصور انوری، نویسنده رمان «جاده جنگ» اما معتقد است ما دچار فقدان روایت، به معنای عدم وجود روایت نیستیم. اینکه روایت ها انتشار پیدا نمی کنند یا از منبع غیرمتقن منتشر می شوند، مشکل اصلی نیست. او مشکل اصلی را جایی دیگر می داند و معتقد است مشکل اصلی ما، انتخاب منابع است؛ منابع دست اول یا فراموش شده اند یا در دسترس نیستند. از این رو، انوری اصولاً حوزه یا واقعه خاصی را دچار فقدان روایت نمی بیند. او با تعاریف دیگر فقدان روایت هم موافق نیست و می گوید صحت و سقم روایت ها یا جنبه های تاکیدی آنها متفاوت است و این موضوع را بسیار بسیط و شامل بیشتر حوزه های تاریخی می داند. اما برای مثال از واقعه مشروطه و جریان شیخ فضل الله نوری یاد می کند که فقط روایت های انگلیسی برجسته شده اند. یا در مثالی دیگر روایت های دوزن سوئدی را از وضعیت خراسان در سال های پایانی حکومت قاجار ذکر می کند که در کتاب مسافرت مرگبار به چاپ رسیده و کامل ترین روایت های منتشر شده از خراسان در آن زمان است. محمدحسین روزی طلب، نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر نیز معتقد است با درنظر گرفتن تعاریف ارائه شده از فقدان روایت، به طور کلی همه روایت های موجود مخدوشند، چراکه همگی دچار قضاوت، نقص، تناقض یا خدشه هستند. معضل اصلی، عدم همسویی بعضی از روایت ها با نگاه مخاطب روایت است. وقتی روایت یا واقعه ای در تعریف جناح بندی یا نگاه سیاسی جا می گیرد، توسط جناح مقابل شنیده یا قبول نمی شود. مخاطب گوشش را می بندد یا آن را تخطئه می کند. به بیان دیگر روایت ها وقتی سیغه گروھی یا جریانی داشته باشند، به بهانه یک طرفه بودن یا شنیده نمی شوند کنار گذاشته می شوند، یا از درجه اعتبار ساقط می شوند. این یعنی روایت قدرت اقناع همه مخاطبانش را ندارد. به عقیده روزی طلب، مشکل اصلی فقدان روایت نیست بلکه بایکوت و سانسور روایت است. انتشار، شنیده شدن و قبول روایت مهم است که بیشتر اوقات این مهم حاصل نمی شود.

به نظر می رسد وجه اشتراک نظرات صاحب نظران حوزه روایت و البته بعد غالب فقدان روایت، عدم انتشار مناسب روایت است. وقتی روایت متقنی وجود داشته باشد ولی به نحو مطلوب، کارآمد و احسن منتشر و دیده نشود، نتیجه ای جز عدم اقناع در پی نخواهد داشت و این همان اثر وضعی فقدان روایت است. در ساحت رسانه، این موضوع منجر به اعتبار بخشیدن به روایت های دیگران می شود. «دیگران» به معنای افراد خارج از دایره هویتی و غیرمنسوب به وقایع، جریان ها، اشخاص و مسائل است؛ مثل روایت انگلیس از اعدام شیخ فضل الله نوری.

درباره دلایل و چرایی این وضعیت نظرات متفاوتی وجود دارد. علی الفت پور به دلایل زیادی درباره فقدان روایت قائل است که مصلحت سنجی را می توان اصلی ترین آنها برشمرد. به گفته الفت پور خیلی از اوقات، مسئولان و ذی نفوذان مانع انتشار

گفت وگو با نویسندگان و پژوهشگران تاریخی درمورد قوت و ضعف های روایت مقاطع تاریخی ایران

فقدان روایت به مثابه فراموشی



منصور انوری



محمدحسن روزی طلب



محمدعلی الفت پور

یک روایت صحیح و کامل می شوند و علت آن را به صلاح نبودن اطلاع مردم از آن روایت بیان می کنند. بعضی از روایت ها بنا به اقتضای شرایط سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی بیان نمی شوند و یا گذشت زمان فراموش می شوند یا شرایط و اقتضای بیان آن فراهم نمی شود. گاهی این مصلحت سنجی به بقیه لایه ها، حتی لایه های بدون صلاحیت نیز تسری می یابد و دستگاه های غیرتصمیم ساز نیز با تکیه به مصلحتی که در یک برهه، مانع انتشار یک روایت شده، در بقیه جایگاه ها و زمان ها نیز مانع انتشار یک روایت می شوند. حتی بدون اینکه صلاحیت تصمیم گیری را در این خصوص داشته باشند. به نظر می رسد همین جلوگیری از انتشار، یکی از دلایل محکم عدم انگیزه برای ثبت، ضبط و آماده سازی روایت به منظور انتشار باشد. از طرف دیگر ایجاد انحصار برای دستیابی به روایت های موجود و تحدید اجازه انتشار آنها به افراد خاص، باعث نوعی تک صدایی در روایت و به تبع آن کاهش چشمگیر توجه مخاطب و اعتبار روایت می شود.

الفت پور یکی دیگر از دلایل فقدان روایت را، اثرات جانبی انتشار روایت ها می داند. بازتاب روایت و انتشار نقص، ضعف یا قصور و اهمال یک جریان یا تفکر در یک واقعه، بالطبع برای آن جریان ایجاد حاشیه و دردسر خواهد کرد، لذا دست به حذف، سانسور و تغییر روایت خواهند زد. این عمل باعث ایجاد خدشه یا نقص در روایت خواهد شد و روایت را از اتقان و اقناع گری ساقط خواهد کرد.

در بررسی حوزه بروکراتیک و روایت های رسمی هم، می توان چند دلیل عمده برای فقدان روایت ذکر کرد. عدم وجود منبع رسمی یا مشخص برای جمع آوری

قحطی ایران در جنگ جهانی اول



در سال های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹، ایران با وجود اعلام بی طرفی در جنگ جهانی اول، بیشترین آسیب را از این جنگ ویرانگر دید و در حدود نیمی از جمعیت کشور قربانی مطامع کشورهای بزرگ و استعمارگر آن دوران شد. دو کتاب «انگلیس و اشغال ایران در جنگ جهانی اول» و «قحطی بزرگ» از جمله تالیفات محمدقلی مجد، پژوهشگر ایرانی مقیم آمریکا است. این کتاب با استناد به مدارک بنیاد اسناد وزارت خارجه آمریکا، درمورد اشغال ایران به دست نیروهای انگلیسی تالیف شده است. یکی از مواردی که در این پژوهش برای اولین بار آمده، تلاش انگلیسی ها در تحریف جمعیت ایران و سروش بر قتل و غارت و ایجاد قحطی است. محمدقلی مجد در پژوهش خود آورده قحطی بزرگ در فاصله سال های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ میلادی، بزرگ ترین مصیبت تاریخ این مملکت و حتی به مراتب خانمان سوزتر از حمله مغول در قرون وسطی بود. در ایران، برای بازخوانی جنایاتی که انگلیسی ها در آن سال ها وارد تهران شد و بعد از غریمت به آمریکا، کتاب «اختناق ایران» را درباره تجربیاتش در تهران منتشر کرد.

فرهنگ

مقابل می شوند. البته این ویژگی ذاتی مناسبات سیاسی-اجتماعی نیست، بلکه یک ویژگی عرضی ناشی از شدت دوقطبی های ایجاد شده است. در این شرایط انحصارطلبی در روایت یک موضوع یا واقعه آن را مخدوش یا محدود می کند. از سوی دیگر به پژوهش ها بها داده نمی شود و سطحی ترین روایت ها پخش و شنیده می شوند. لذا شرایط اجتماعی تاثیر به سزایی در ثبت، شنیده شدن یا شنیده نشدن و تاثیر روایت ها دارد.

جایگاه راوی نیز در اقناع گری روایت یا اتقان آن بسیار موثر است. تفاوت قرائت راویان مختلف از روایت، به خاطر زاویه دید آنها نسبت به واقعه، شخصیت و مساله روایت شده، تغییر موضع راوی با گذشت زمان یا وقوع اتفاقی پس از واقعه اصلی و در نتیجه ایجاد تغییر در روایت قبلی خود یا مخدوش و غیرمعتبر دانستن آن و تفاوت جایگاه راوی های مختلف یک روایت نسبت به آن، با اعتبار روایت ها نسبت مستقیم دارد. از این رو غیرمطمئن بودن راوی ها نیز یکی از دلایل عمده فقدان روایت است. اما موضوع مهم در این میان، ارائه راه حل است. اگر روایت مساله فقدان روایت، همچون بقیه مسائل فقط با بیان مشکلات، معضلات و توصیف وضعیت نامطلوب پایان یابد، خود یکی از مصادیق فقدان روایت خواهد بود. پس تکمیل کردن این روایت با ارائه راه حل و پرداختن به این معضلات، تکمیل کننده روایتی از فقدان روایت است. در ادامه گفت وگو با الفت پور، نظر او را در این باره جویا شدیم. الفت پور می گوید باید روایتگری وقایع مهم به مجموعه های متعدد مردمی و مستقل سپرده شود. دغدغه ثبت روایت اگر به عامه مردم منتقل و وظیفه جمع آوری و ثبت و ضبط آن نیز به ایشان محول شود، عزم و همت عمومی مانع نقل نشدن روایت خواهد شد. همچنین لازم است پژوهشگرها تقویت شوند و دسترسی های بیشتری به ایشان داده شود. برای انتشار روایت های مختلف از مسائل، شخصیت ها و وقایع مختلف، سازوکار و فرآیند مشخص و در دستگاه های مرتبط نیز اتاق فکری برای مدیریت ثبت همه ابعاد یک موضوع تشکیل شود. صرف ایجاد زیرساخت و زمینه برای ثبت و ضبط روایت، گام موثری در رفع مشکل فقدان روایت خواهد بود. در انتشار و اهمیت به روایت ها نیز لازم است مصلحت گراها با سعه صدر بیشتری با روایت برخورد کنند. حذف جریانی روایت ها یا تحدید بیان روایت از تریبون های معدود، به اعتبار روایت های موجود ضرر خواهد زد و حتی اگر روایت متقنی در دسترس باشد به خاطر شنیده نشدن یا اعلام از کانال های معدود، تاثیری بر مخاطبان نخواهد گذاشت.

منصور انوری نیز برای رفع معضل فقدان روایت، راه حل هایی ارائه می دهد. او می گوید باید شروع کنیم به اهمیت دادن به روایت در قالب مستندنگاری و خاطره نویسی. به وقایع و درسی که از هر واقعه می شود گرفت، اهمیت بدھیم تا جوانبش ثبت و ضبط و از آن استفاده شود. منابع را بررسی و جنبه های روایی آنها را استخراج کنیم. انوری درباره تاثیر مردم در ثبت و ضبط روایت ها با الفت پور هم نظر و معتقد است انتقال دغدغه ثبت روایت و روایتگری برای استفاده های بعدی به مردم و پژوهشگران، می تواند تا حد زیادی معضل فقدان روایت را برطرف کند. او به تاثیر بسزای رسانه نیز اذعان دارد و می گوید رسانه ها باید اهمیت روایت را برای مخاطبان شان روشن کنند. رسانه ها با ارائه قرائت خودشان از روایت و شکل گیری تضارب آرای رسانه ای در نقل روایت، جریان روایت نویسی و ثبت روایت را شکل می دهند.

روزی طلب درباره راه حل های این معضل می گوید باید در فرم ثبت و انتشار روایت تجدیدنظر کرد و آن را تغییر داد. این تغییر فرم، یعنی بازنگری در محتوای ارائه روایت به مخاطب. اینکه هر روایت به چه شیوه ای به مخاطب ارائه شود، در اقناع گری آن تاثیر مستقیم دارد. همچنین با عمق دادن به روایت ها بد جوانب، اثرات و درس هایی که از روایت ها برداشت می شود، منتشر شود. با نگاه کاربردی به روایت می توان معضل فقدان روایت را تا حد خوبی مرتفع کرد. از سوی دیگر روزی طلب معتقد است ما باید روی روایت های موجودمان سرمایه گذاری کنیم. او از هالیوود مثال می آورد که از روی یک روایت، فیلم های متعدد و عظیم می سازد. همچنین کره که از یک خطر روایت مخدوش و ناقص، مجموعه سریالی می سازد. مادامی که ما روی روایت های اصیل خودمان سرمایه گذاری نکنیم، نباید انتظار تاثیرگذاری و شنیده شدن شان را داشته باشیم.

روایت مقاطع مهم تاریخی انقلاب



۲۵ دی ماه ۱۳۶۷، امام خمینی (ره) در نامه ای به سیدحمید روحانی، ایشان را مامور تدوین تاریخ انقلاب اسلامی کردند. بنیانگذار انقلاب اسلامی خطاب به روحانی نوشته اند: «اگر شما می توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان توده های مردم رنج دیده کنید، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران کرده اید. باید پایه های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پاهندگان مغضوب قدرت ها و ابرقدرت ها باشد.» در بخشی از این نامه آمده است: «اکثر مورخان، تاریخ را آن گونه که مایلند یا آن طور که دستسور گرفته اند، می نویسند نه آن گونه که اتفاق افتاده است. از اول می دانند که کتاب شان بناست به چه نتیجه ای برسد و در آخر به همان نتیجه هم می رسند. از شما می خواهم هرچه می توانید سعی و تلاش به خرج دهید تا هدف قیام مردم را مشخص کنید، چراکه همیشه مورخان اهداف انقلاب ها را در مسلخ اغراض خود یا اربابان شان ذبح می کنند. امروز همچون همیشه تاریخ انقلاب ها، عده ای به نوشتن تاریخ پرداختار انقلاب اسلامی ایران مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند. تاریخ جهان پر است از تحسین و دشنام عده ای خاص، لی یا علیه عده ای دیگر یا واقعه ای درخوب بحث.»

انقلاب اسلامی ازجمله مقاطع مهم تاریخ معاصر ایران، پر است از روایت هایی که یا هنوز پرداخت رسانه ای نیافته اند یا در انواع و گونه های مختلف به گوش مخاطبان نرسیده اند. در خاژ روایت های قبیق، در موقعیت های مختلف، شبکه های ماهواره ای، مستندها و آثاری را در گستره فرهنگ و اجتماع ایرانی به رخ می کشند که با تحریف قلب واقعیت، تصویر غیرواقعی از شخصیت ها و وقایع مهم دوران ۴۰ ساله انقلاب را برای آیندگان جاگذاری می کنند. واضح است که درمقابل چنین هجمه های رسانه ای، کاوش کردن در جریانات تاریخی می تواند آلهای روایی را برای امروز و آینده ایران پرکند.

وقایع ۸۸



وقایع ۸۸، یکی از مهم ترین وقایع تاریخی بعد از انقلاب اسلامی است. حجم و گستردگی این اتفاقات به گونه ای است که در دامنه محدود روایاتی همچون مستند، کتاب یا گزارش های تصویری و خبری نمی گنجد. حدود ۶۰ کتاب، روایت ماجرای ۸۸ را داشته اند و با وجود این وقتی بی پرده، از اتفاقات پشت صحنه فتنه ۸۸ سخن گفته می شود، اقبال مخاطبان را همراه خواهد داشت. نمونه اخیر این شکل روایت، امسال هم در آستانه نهم دی، در قالب کتابی با عنوان «فتنه ی تغلب» منتشر شد. در فضای سینما هم تک روایت هایی از این دوره شده که نمونه مشهور آن «قلاده های طلا» است. سینمای ایران شاید در سال های آتی با فاصله گرفتن از سال ۸۸، بتواند روایت جامع تری از آن روزهای پرتلهاب سیاسی و اجتماعی داشته باشد.